



## Analysis of Susan Kay's Phantom based on Irving Goffman's hot theory of stigma

Asieh Zabihnia Emran<sup>\*1</sup>

<sup>\*1</sup>PH.D Associate Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran

Article Info	ABSTRACT
<p><b>Article type:</b> Research Article</p> <p><b>Received:</b> 15/11/2022</p> <p><b>Accepted:</b> 23/05/2023</p>	<p>The present article examines Susan Kay's novel Phantom (1990) based on Goffman's hot theory (1963). Goffman addresses the issue of social relations. Erik, the main character of the novel, was born with a physical disability, therefore, he is rejected by society, his abilities are ignored and he is deprived of a terrifying and inhuman ghost. The present article will try to answer this main question with a descriptive-analytical anthropological approach. According to the results of the research, the most important stigmas and labels in the Phantom novel are feelings of disgust, rejection, anti-Currentism, and social dissent in the novel. It is Eric's perception of character that often has a psychological and cultural basis, a hot feeling of destiny and, consequently, an arousal of kineticism and revenge that surrounds Eric more than anything else. According to the research, Eric suffers from the stigma of discrediting social identity, which dominates his actions and relationships throughout the novel.</p> <p><b>Keywords:</b> Susan Kay, Phantom, Irving Goffman, Hot Stigma, Identity.</p>

**Cite this article:** Zabihnia Emran., Asieh . (2022). Analysis of Susan Kay's Phantom based on Irving Goffman's hot theory of stigma, *research in persian Language and literature* . Vol. 1, New Series, No.2, Autumn and Winter2022: pages:95-114.

DOI: 10.30479/irpli.2023.18081.1077



© The Author(s).

**Publisher:** Imam Khomeini International University

**\*Corresponding Author:** Asieh Zabihnia Emran

**Address:** PH.D Associate Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran

**E-mail:** zabihnia@pnu.ac.ir



## تحلیل رمان شبح از «سوزان کی» بر اساس نظریه داغ ننگ «اروینگ گافمن»

آسیه ذبیح‌نیا عمران\*

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

### اطلاعات مقاله چکیده

**نوع مقاله:** مقاله پژوهشی

**دریافت:** ۱۴۰۱/۰۸/۲۴

**پذیرش:** ۱۴۰۲/۰۳/۰۲

مقاله حاضر به بررسی رمان شبح (۱۹۹۰م) از سوزان کی، بر اساس نظریه داغ ننگ اروینگ گافمن ۱۹۶۳م می‌پردازد. دیدگاه گافمن به موضوع، از منظر روابط اجتماعی است. «اریک» (شخصیت اصلی شبح) هنرمند است؛ و با معلولیت جسمی متولد می‌شود و به همین سبب اجتماع با بی‌رحمی او را طرد می‌کند؛ توانایی‌هایش نادیده گرفته می‌شود و از او شبحی منزوی، هولناک و انسان‌گریز می‌سازد. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی انسان‌شناسانه تلاش خواهد کرد به این پرسش اصلی پاسخ دهد که کدام مضمون و درونمایه داغ ننگ گافمن در رمان شبح نمود بیشتری دارد؟ بر اساس نتایج تحقیق مهم‌ترین داغ ننگ و برجسب‌زنی‌ها در رمان شبح، «احساس انزجار»، «طردشدگی»، «جریان‌ستیزی»، «دگراندیشی اجتماعی» در باورداشت شخصیت «اریک» است که اغلب بن‌مایه روانی، اجتماعی و فرهنگی دارد. داغ، احساس شومی سرنوشت و به تبع آن برانگیختگی حس کین‌توزی، نفرت و انتقام است که بیش از هر چیز دیگر «اریک» را در بر می‌گیرد.

**کلمات کلیدی:** سوزان کی، شبح‌پرای پاریس، اروینگ گافمن، داغ ننگ، هویت.

استناد: ذبیح‌نیا عمران، آسیه (۱۴۰۱). تحلیل رمان شبح از سوزان کی براساس نظریه داغ ننگ اروینگ گافمن، دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، سال اول، دوره جدید، شماره دوم، پاییز و زمستان، ۱۴۰۱: ۹۵-۱۱۴.

DOI: 10.30479/irpli.2023.18081.1077



حق مؤلف © نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

## مقدمه

در سال‌های اخیر، استفاده از دستاوردهای دانش روان‌شناسی در ادبیات جهان، ابزاری سودمند در تحلیل شخصیت‌های رمان معاصر است: «ارتباط روان‌شناسی به‌عنوان دانشی که به بررسی ذهن و رفتار انسان می‌پردازد، با ادبیات که موضوع آن انسان و تأثیر محیط بر اوست، چنان نزدیک است که شاخه‌ای به‌نام روان‌شناسی ادبی بر اساس مشترکات این دو دانش به‌وجود آمد» (ولک و وارن، ۱۳۸۲: ۸۲). مطالعات میان‌رشته‌ای به‌عنوان شیوه‌ای تطبیقی در سده اخیر باب شده است. با بهره‌گیری از این رویکرد، یافته‌های رشته‌های گوناگون برای ارائه تحلیل‌های آکادمیک و دقیق پیرامون یک یا چند موضوع خاص به‌کار گرفته می‌شود. در حوزه ادبیات نیز، امروزه شاهد استفاده از دستاوردهای رشته‌های مختلف از جمله روان‌شناسی در بازخوانی متون معاصر هستیم. براین پایه، ادبیات این امکان را فراهم می‌آورد که تبادل فرهنگی میان ملت‌ها و مردم در نواحی مختلف جهان بررسی شود و در اثر تضارب آراء، نقاط مشترک و متفاوت دیدگاه‌ها مشخص گردد (یوست، ۱۳۸۶: ۳۸). ادبیات دربرگیرنده تمام پژوهش‌های بین ادبیات مختلف یا بین ادبیات و سایر هنرها به‌طور خاص بوده و بین آن‌ها و دیگر معارف بشری به‌طور عام انجام می‌پذیرد (کفافی، ۱۳۸۲: ۱۴). مطالعات ادبی محدودیت ندارد و «نمی‌توان حدود و ثغور ادبیات را به‌طور مطلق مشخص کرد» (پراور، ۱۳۹۳: ۱۷). بررسی رمان‌ها باتکیه بر تحلیل‌های روان‌کاوانه و روان‌شناختی، در قرن بیستم جایگاه ویژه‌ای در تحلیل‌های میان‌رشته‌ای پیدا کرده است. فایده این‌گونه تحلیل داستان، شناخت ادبیات و مطالعه رفتارهای انسانی در دوره‌های مختلف یک جامعه است. بهره‌گیری از آرای روان‌شناسان و نظریات آن‌ها، امکان بهتری برای تحلیل رمان معاصر جهان فراهم می‌کند. یکی از روان‌شناسان معاصر که آرای او قابل تطبیق با رمان است، اروینگ گافمن (Erving Goffman) است؛ به‌این‌اعتبار، این پژوهش بینارشته‌ای، باتکیه بر روش مبتنی بر ابزار کتابخانه‌ای، به بررسی شخصیت رمان شبیح پیرامون مؤلفه‌های داغ‌ننگ بر اساس نظرات گافمن می‌پردازد؛ زیرا که شخصیت انسان همواره، مورد توجه صاحب‌نظران روان‌شناسی بوده است.

## ۱. سابقه و پیشینه تحقیق

برخی از آثار منتشرشده مرتبط با نظریه داغ‌ننگ - به ترتیب سال نشر - به‌شرح زیر است:

کتاب داغ‌ننگ یا چاره‌اندیشی برای هویت ضایع‌شده نوشته اروینگ گافمن است که مسعود کیانپور آن را در سال ۱۳۸۶ در ۱۹۲ صفحه به فارسی ترجمه کرد. عرفانی (۱۳۸۷) مقاله‌ای با

عنوان «معرفی و نقد کتاب داغ ننگ؛ چاره‌اندیشی برای هویت ضایع‌شده» را در مجله کتاب ماه علوم/اجتماعی منتشر کرد. در این مقاله آمده است که برخی از داغ ننگ‌ها را می‌توان طوری پنهان کرد که غریبه‌ها از وجود آن باخبر نگردند و تنها بر نزدیکان صمیمی اثرگذارند. حسینی و سالارکیا (۱۳۹۱) مقاله «تحلیل رمان رؤیای تبت بر اساس استعاره نمایشی نظریه گافمن» را در مجله متن پژوهی/ادبی چاپ کردند. بر اساس نتایج این پژوهش شخصیت‌های زن این رمان برای پنهان کردن داغ عشقی ممنوع تلاش می‌کنند؛ اما نمی‌توانند در اجرای روی صحنه، موفق عمل کنند. قاسم‌زاده (۱۳۹۳) مقاله «جامعه‌شناسی رفتار در رمان طناب‌کشی بر مبنای نظریه داغ ننگ» را در فصلنامه نقد ادبی منتشر کرد. از نتایج رمان طناب‌کشی برمی‌آید متن رمان با سه پیش‌متن قرآن کریم، رمان داغ ننگ هاثورن (Hawthorne) و مثنوی مولانا پیوند بینامتنی پنهان دارد. زرکوب و همکاران (۱۳۹۳) مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی القاب شاعران عربی بر اساس نظریه داغ ننگ گافمن» را در مجله لسان مبین منتشر کردند. این پژوهش با استناد به این نظریه درصدد است تا طرق شکل‌گیری القاب شاعران عربی و میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر رفتارهای اجتماعی شاعران را بررسی کند. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش بیان‌کننده این مطلب است که یکی از مهم‌ترین طرق شکل‌گیری لقب در نزد شاعران عربی استفاده از معایب و صفات جسمی و نژادی به‌عنوان لقب است که به‌خوبی می‌تواند با نظریه داغ ننگ مورد تحلیل واقع شود. دریکوند، بیرانوند و اکبری‌نیا (۱۳۹۴) مقاله «برچسب‌زنی، داغ و ننگ گافمن» را در کنفرانس ملی آینده‌پژوهی علوم انسانی و توسعه شیراز منتشر کرد، به معرفی این نظریه پرداختند. قاسم‌زاده و سالارکیا (۱۳۹۵) مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی روان‌شناختی-جامعه‌شناختی بخش پهلوانی شاهنامه بر مبنای نظریه داغ ننگ گافمن» را در مجله کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی چاپ کردند. در این مقاله آمده است که از ویژگی‌های فکری-رفتاری مذموم در انسان‌های مورد خطاب حماسه، واکنش‌های روانی ناشی از عقده‌های «کهرتی» و «حسادت» در نتیجه صفت «داغ‌زنی» است که فردوسی ریشه بسیاری از موانع رشد و تعالی انسان‌ها را در سیطره اهریمنی آن می‌داند. نظر به پیشینه این رفتار غیراخلاقی و باتکیه بر نظریه داغ ننگ اروینگ گافمن تلاش کرده به چگونگی انعکاس این صفت نامیمون در شخصیت‌های شاهنامه، انواع و دلایل آن، در دوره پهلوانی-اسطوره‌ای شاهنامه (از زمان ضحاک تا مرگ رستم) بپردازد. خادم الفقراپی و کیانپور (۱۳۹۵) مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان زندگی مشترک آقای محمودی و بانو با تمرکز بر داغ ننگ ناشی از تقابل سنت و مدرنیته» را در مجله زن در فرهنگ و

هنر منتشر کردند. نتایج به دست آمده پژوهش مذکور حاکی از آن است که سه مؤلفه «ساختار شکنی زن مدرن»، «عدم پذیرش زن مدرن از سوی سنت» و «برچسب‌زنی بر زن مدرن از سوی سنت» مراحل داغ ننگ‌زنی به زن مدرن در این اثر است؛ بنابراین استراتژی گفتمانی این اثر نشان می‌دهد که وجود ویژگی‌های مدرن در یک زن، شرایط را برای داغ ننگ‌خوردن او فراهم می‌کند. رمان *داغ ننگ* اثر ناانیل هائورن که در سال ۱۸۵۰ نوشته شد، به شکلی سمبلیک از حرف سرخ‌فام «A» به نشانه گناه بهره می‌گیرد تا به انواع داغ ننگ‌های گافمنی بپردازد (هائورن، ۱۳۶۹: ۱۲). در این اثر، «گناه» اساس داستان و کشمکش روحی قهرمان‌ها، زمینه اصلی آن است. عصاره تمام داستان کتاب در این عبارات است که «شکافی را که گناه یک‌بار در روح آدمی پدید می‌آورد، در این عالم فانی با هیچ وسیله‌ای نمی‌توان پر کرد» (همان: ۱۴). رئیسی، نقاش زاده و یوسفیان کناری (۱۳۹۶) مقاله‌ای با عنوان «اکاوی تأثیر روان-جامعه‌شناختی داغ ننگ بر شخصیت‌های آژاکس و مده‌آ» در *مجله تئاتر* منتشر کردند. در این مطالعه با توجه به خاستگاه اولیه داغ ننگ، دو تراژدی *آژاکس* اثر سوفوکل (Sophocles) و *مده‌آ* نوشته اورپید (Euripides) از یونان باستان انتخاب شد، تا در ابتدا نقش داغ در خوانش این آثار برجسته شود و همزمان به این پرسش پاسخ داده شود که داغ ننگ چه تأثیر روان‌شناختی-جامعه‌شناختی بر شخصیت‌های آژاکس و مده‌آ داشته است. زینی‌وند و صولتی (۱۳۹۷) مقاله‌ای با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی داغ ننگ در داستان کوتاه *من وراء الحجاب* و *الساقطه* (رویگرد اورینگ گافمن)» در *مجله ادب عربی* دانشگاه تهران چاپ کردند. یافته‌های این جستار بیانگر این است که علت داغ در هر دو داستان، دل‌بستن به عشقی ممنوعه است. همان‌گونه که از عناوین پژوهش‌های فوق مشهود است، تاکنون رمان *شبح* از دیدگاه نظریه *داغ ننگ* گافمن بررسی نشد و این امر ضرورت تحقیق را ایجاب می‌کند.

## ۲. نظریه داغ ننگ: چاره‌اندیشی برای هویت ضایع شده (Stigma: notes on the management)

### (of Spoiled identity) اروینگ گافمن

گافمن از برجسته‌ترین جامعه‌شناسان قرن بیستم آمریکا است که در ۱۱ ژوئن ۱۹۲۲ در یکی از شهرهای ایالت آلبرتا، کانادا به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را تا مقطع لیسانس در دانشگاه تورنتو گذراند و سپس به آمریکا مهاجرت کرد. مدارک فوق‌لیسانس و دکترای خود را به ترتیب در سال‌های ۱۹۴۹ و ۱۹۵۳ از دانشگاه شیکاگو در هر دو رشته جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی اجتماعی دریافت کرد؛ از سال ۱۹۵۸ به عضویت هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه برکلی

کالیفرنیا درآمد و به مدت کمتر از چهارسال به درجه استاد تمامی نائل شد. اروینگ گافمن در ۱۹ نوامبر ۱۹۸۲ درگذشت (گافمن؛ مقدمه کتاب، ۱۳۸۶: ۶). اروینگ گافمن را منتقد وابسته به مکتب شیکاگو می‌دانند. مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو (Chicago School)، مجموعه‌ای از تلاش‌های نظری و جامعه‌شناختی گروهی از جامعه‌شناسان دانشگاه شیکاگو در فاصله بین دو جنگ جهانی است که یکی از مهم‌ترین شاخه‌های جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی آمریکا را تشکیل داد. پس از جنگ جهانی دوم، «مکتب شیکاگو دوم» به وجود آمد؛ اعضای آن تعامل نمادین را با روش‌های پژوهش میدانی (امروزه به قوم‌نگاری مشهور است) ترکیب کردند تا مجموعه جدیدی از کار را ایجاد کنند (Fine, 1995: 80). گافمن از منتقدان برجسته مکتب دوم شیکاگو است. شهر شیکاگو شهری شلوغ و مهاجرپذیر و در نتیجه دارای تنوع فرهنگی بود که دچار مسائلی چون فساد و جنایت شده بود؛ علاوه بر آن جامعه‌شناسان شیکاگو علاقه داشتند بدانند چگونه مهاجران هنگامی که وارد شهر و جامعه‌ای با فرهنگ متفاوت می‌شوند، جایگاه خود را پیدا می‌کنند (کوبین، ۱۳۹۲: ۱۷۹). این مکتب از ایده‌های منتقد آلمانی جورج زیمل (Georg Simmel) بهره گرفته است (ریترز، ۱۳۸۰: ۶۸). اصطلاح داغ ننگ ریشه یونانی دارد (قاسم زاده، ۱۳۹۳: ۱۵۰) داغ ننگ به معنای رسوایی یا ننگ، نشانه سرزنش و محکومیت که بر روی کسی یا چیزی گذاشته می‌شود (Rouse, 2002: 3). باید توجه کرد که «قدرت داغ‌زنی یک صفت نه در ذات خودش، بلکه در روابط اجتماعی ریشه دارد» (گافمن، ۱۳۸۶: ۳۲). به بیان دیگر در جهان چیزی تحت عنوان «داغ»، بنیانی ذاتی ندارد؛ بلکه این روابط اجتماعی است که آن را می‌آفریند. چنانچه «داغ ننگ، متضمن وجود مجموعه مشخصی از افراد نیست که بتوان آنها را به دو قطب تقسیم کرد ... افراد عادی و داغ‌خورده، نه شخص، بلکه بیشتر زاویه دید هستند» (همان: ۳۲۰). پس بر اساس حاکمیت، یک‌نوع «زاویه دید» در جامعه است که افراد طبقه‌بندی می‌شوند؛ و همین نحوه طبقه‌بندی است که سبب می‌گردد ویژگی‌های یک فرد به‌عنوان ویژگی‌های داغ‌خوردگی شناسایی شود. بر اساس طبقه‌بندی گافمن، با سه نوع داغ‌خوردگی مواجه هستیم: اول، زشتی‌ها و معایب مربوط به بدن هستند. دوم، نواقص و کمبودهای مربوط به شخصیت فرد را شامل می‌شوند. نوع سوم، داغ ننگ قومی و قبیله‌ای است که منظور از آن، داغ ننگ‌های مربوط به نژاد، ملیت، و مذهب است (گافمن، ۱۳۸۶: ۳۳).

شبح اثر سوزان کی (susan kay) ۱۹۵۳م رمان‌نویس بریتانیایی است که در مدرسه ابتدایی تدریس می‌کرد؛ وی اولین رمانش را درباره ملکه الیزابت نوشت که در سال ۱۹۸۵ برنده جوایزی شد. سوزان کی در زمینه تاریخ و ادبیات، مطالعه و پژوهش کرده است و در حال حاضر به‌عنوان «زندگی‌نامه‌نویس» شهرت دارد. این اثر متأثر از کتاب *شبح اپرا* (The Phantom of the Opera) رمانی از گاستون لورو (Gaston Leroux) نویسنده فرانسوی است. این داستان در آغاز از ۲۳ سپتامبر ۱۹۰۹ تا ۸ ژانویه ۱۹۱۰ به صورت مسلسل در روزنامه گلوآ (Le Gaulois) به چاپ رسید و پس از آن به صورت کتاب منتشر شد. این رمان در آغاز فروش بسیار کمی داشت و حتی در سده بیستم مدت‌ها تجدید چاپ نیز نشد؛ اما بعدها که از روی داستان آن، نمایش‌ها و فیلم‌های متعددی ساخته شد، تبدیل به رمان و داستانی مشهور شد (Haining, 1988: 27). از شبح اپرا روایت‌های زیادی شده است، به نظر می‌رسد که بهترین آن‌ها شبح اثر سوزان کی باشد. رمان شبح در ایران، سال ۱۳۷۷، با عنوان *شبح اپرای پاریس* با ترجمه ملیحه محمدی، در نشر چشمه، منتشر شده است<sup>۱</sup>

### ۱-۳. خلاصه رمان شبح

در رمان شبح شخصیت محوری رمان «اریک»، فردی نابغه است که مادرزادی از صورت معلول است؛ «اریک» به خاطر چهره غیرعادی خود از اجتماع دوری می‌کند و همواره صورت خود را پشت نقاب پنهان می‌سازد؛ اما استعدادهای شگرفی در معماری و موسیقی دارد و در این زمینه یک نابغه محسوب می‌شود؛ ولیکن تمام زندگی‌اش تحت تأثیر چهره‌اش - که از همان کودکی به اصرار مادرش پشت نقاب پنهان ساخته - قرار می‌گیرد. «اریک» از بدو تولد در چهره خود به جای دماغ، حفره‌ای دارد که او را بسیار زشت ساخته است. مادرش در همان اوان مجبور می‌شود ماسکی برایش بدوزد؛ و از آن پس تا پایان عمر، او با ماسک ظاهر می‌شود. زشتی چهره، «اریک» را در این داستان به شدت منزوی و تنها می‌کند؛ رنج و تألمات «اریک» با نبوغ سرشار او به تصویر کشیده شده است. «اریک» در هنر معماری دستی توانا دارد؛ این قابلیت سبب می‌شود اجرای ساختمان بزرگ اپرای پاریس را به او بسپارند؛ او با عشقی که به هنر موسیقی دارد این مهم را به شکلی مطلوب به پایان می‌رساند. زمان یک‌چند سپری می‌شود و «اریک» شیفته خواننده اپرا می‌شود. وی به خاطر عشق، دست به ارباب اپرای گارنییه (Garnier) پاریس می‌زند تا موجبات پیشرفت آوازه‌خوان محبوبش را در کار اپرا فراهم آورد. دلدادگی او به مرور زمان افزون‌تر می‌شود. او

به‌هنگام مصاحبت با خوانندهٔ اپرا همچنان ماسکی بر چهره دارد. «اریک» به‌رغم اصرار دلبندش حاضر نیست چهرهٔ خود را به او بنمایاند؛ زیرا تجربهٔ تلخ این کار (از دست دادن معشوق قبلی‌اش) همواره او را می‌آزارد. «اریک» اینک در دم مرگ صورت خود را به معشوقش نشان می‌دهد و برای اولین و آخرین بار، بوسهٔ انسانی را بر چهرهٔ خود لمس می‌کند.

نکتهٔ جالب کتاب این است که چندین راوی دارد و از زبان راویان مختلفی روایت می‌شود: از خود «اریک» گرفته تا اشخاص مختلفی که او مدتی زندگی خود را نزد آنان گذرانده است. «اریک» در عهد قاجار برای انجام امور معماری کاخ شاهان، وارد ایران می‌شود و مدتی از زندگی خود را آنجا می‌گذراند و جالب‌تر آنکه یکی از این راویان، ایرانی‌ای به‌نام «نادر» است که داروغهٔ دربار قاجار است.

#### ۴. مؤلفه‌های داغ ننگ گافمن در رمان شیخ

##### ۴-۱. داغ ننگ و معلولیت جسمی

در رمان شیخ/پرای پاریس، شخصیت اصلی رمان «اریک» با معلولیت جسمی متولد می‌شود. او در هنگام تولد آن‌چنان قیافهٔ هولناکی دارد که حتی قابله می‌گریزد و فراموش می‌کند دستمزد مطالبه کند: «قابله زیر لب گفت: خداوندا به ما رحم کن و ناخودآگاه بر خود صلیب کشید و گفت عیسیای مسیح بر ما ببخشای. او از فرط شتاب برای ترک خانه حتی فراموش کرد دستمزد خود را مطالبه کند» (کی، ۱۳۹۸: ۱۰). «اریک» آن‌چنان صورت ترسناکی دارد که حتی مادرش حاضر نیست به وی شیر دهد و مصمم است کودک را به قتل برساند؛ اما با نصیحت کشیش راضی می‌شود کودک را در آغوش بگیرد: «اگر به او دست نزنم؟ ... اگر به او شیر ندهم؟ ... پدر با عصبانیت گفت: موضع کلیسای ما در این مسئله کاملاً روشن است. مادلین پیشنهاد شما به معنای قتل است.

مادلین: اما در این مورد یقیناً اقدام مناسبی است.

کشیش سخت‌گیرانه گفت: این گناه است. این قتل نفس است. شما باید از این کودک مثل هر کودک طبیعی، مثل هر کودک دیگر مراقبت و او را تغذیه کنید» (همان: ۱۱). «مادلین» برای خود و نوزاد معلول آرزوی مرگ می‌کند، حتی می‌خواهد خود و نوزاد را بکشد؛ اما غریزهٔ مادری مانع می‌شود: «در لحظه‌ای که گوشت بدن او با بدن من تماس یافت و سکوت برقرار شد، دوباره وحشت و نفرت سراپای مرا فراگرفت. کودک را از سینه‌ام کندم، گویی حشره‌ای است نفرت‌انگیز



که خونم را می‌مکد، بی‌توجه به اینکه او کجا بر زمین خواهد افتاد او را پرتاب کردم. می‌خواستم بمیرم، می‌خواستم هر دوی ما بمیریم. اگر این بچه در آن لحظه بار دیگر جیغ کشیده بود، او را کشته بودم. اول خودم را و سپس او را، در این امر تردید ندارم» (همان: ۱۴). درنهایت او تصمیم می‌گیرد که برای صورت کودک خود نقاب و ماسکی را طراحی کند تا همیشه بر صورت داشته باشد: «اولین تکه لباسی را که به آن نیاز داشت با شتاب بسیار دوختم: یک ماسک!» (همان: ۲۴). از مهم‌ترین مسائل مربوط به مفهوم داغ‌نگ که تأثیر مهمی بر نحوه تعامل فرد داغ‌خورده با افراد عادی دارد، موضوع «رؤیت‌پذیری» داغ است. گافمن با یادکرد نوع «داغ بی‌اعتباری» برای فرد داغ‌خورده شیوه کنش و رفتار را در نظر می‌گیرد. در این نوع، کنش‌گر با علم به اینکه داغ او قابل‌رؤیت است و دیگران از آن باخبرند؛ همچون فردی که عیب جسمانی آشکاری دارد، «مسئله اصلی نمایشی‌اش، تخفیف تنش ناشی از این واقعیت است که دیگران قضیه را می‌دانند» (ریتر، ۱۳۸۴: ۲۹۸). در شب «اریک» با معلولیت جسمی متولد می‌شود؛ او به‌جای چشم و بینی، حفره‌ای در صورت دارد که ناچار است برای همیشه ماسک بزند: «اریک با کج خلقی گفت: چرا من باید ماسک بزنم؟ اما هیچ‌کس دیگر ماسک نمی‌زند؟» (کی، ۱۳۹۸: ۴۴). به قول گافمن، شخصی که معلولیت جسمی دارد در وجود وی «بروز احساس شرم افزایش می‌یابد؛ زیرا فرد می‌بیند، صاحب یک صفت بدنام‌کننده است؛ آن‌هم صفتی که به‌راحتی متوجه می‌شود، نباید آن را داشته باشد. حضور بی‌واسطه افراد عادی امکان دارد این شکاف ایجادشده بین چشم‌داشت‌های فرد از خودش و خودش را تشدید کند؛ اما زمانی که او به‌تنهایی در مقابل آینه قرار گیرد، تنفر از خود و خودخوارانگاری نیز ممکن است رخ دهد» (۱۳۸۶: ۲۳). «اریک» حتی از دیدن چهره خود در آینه دچار وحشت بسیار می‌شود: «فریاد کشیدم: خودت را نگاه کن. خودت را در آینه نگاه کن و ببین چرا تو باید ماسک بزنی. خود را نگاه کن. با چنان ترس وحشتناکی در آینه خیره شد که خشمم زائل گشت و سپس جیغ کشید، قبل از اینکه بتوانم جلویش را بگیرم با مشت‌های گره‌کرده وحشیانه به آینه کوبید. وقتی سعی کردم او را ننگه دارم مرا گاز گرفت ... مانند یک جانور وحشی که از ترس از خودبی‌خود شده باشد، مرا گاز گرفت» (کی، ۱۳۹۸: ۴۴). گافمن از زبان شخص معلول می‌گوید: «طوری وانمود کردم که انگار این چهره هیچ ارتباطی با من ندارد، این فقط یک نقاب بود، منتها نه از آن نقاب‌هایی که آدم عمداً روی صورتش می‌گذارد و به این وسیله دیگران را در مورد هویت خودش به اشتباه می‌اندازد. نقاب من بدون کسب اجازه یا رضایت من روی

صورت‌م گذاشته شده بود» (گافمن، ۱۳۸۶: ۲۳). راوی شیخ در رمانش داستان داغ ننگ‌هایی را بازگو می‌کند که بر پیشانی شخصیت اصلی رمان («اریک») نقش بسته است. داغ‌هایی که برخی از آن‌ها قابل‌رؤیت‌اند و برخی دیگر پنهان‌اند از نگاه ناظران. بعد از تشریح این داغ‌ها و شخصیت داغ‌خورده نیز عوامل و عواقب آن‌ها را بررسی می‌کند. موضوعی که تبیین چرایی، چگونگی و شیوه صحیح مواجهه با آن می‌تواند برای مخاطبان رمان بسیار کارساز و مفید باشد، «آگاه‌شدن از موقعیت پست‌تر، فرد را در حالتی قرار می‌دهد که او دیگر نمی‌تواند در مقابل شکل‌گیری برخی احساسات آزاردهنده مقاومت کند. این احساسات ناشی از بدترین نوع احساس ناامنی است» (گافمن، ۱۳۹۶: ۲۹).

## ۲-۴. نفی و رانده‌شدن

یکی از تبیین‌های بسیار جذاب و واقعی گافمن، مربوط به خشم و انزجار موقعیت حذف، نفی و طردشدگی است. او می‌گوید اگر فرد داغ‌خورده دچار حس طردشدگی «به‌دنبال درجاتی از تفکیک، نه همانندی باشد، ممکن است دریابد که تلاش‌های ستیزه‌جویانه‌اش لزوماً به زبان و سبک دشمنانش اجرا می‌شوند. از این هم فراتر، درخواست‌هایی که او مطرح می‌کند، معضلاتی که بازگو می‌کند، راهبردهایی که مورد حمایت قرار می‌دهد، همگی بخشی از یک لحن بیان و احساسی هستند که به جامعه اکثریت تعلق دارد» (گافمن، ۱۳۸۶: ۱۹۵). «اریک» بخش اعظم عمر خود را تا زمان مرگ، در زیرزمین و در سردابه‌های کاخ گارنیه که مکان نمایش واقعی اپراخانه پاریس است، می‌گذراند. حس رهاشدگی از جانب مادر، اصلی‌ترین دغدغه «اریک» است؛ سپس وی توسط مردم شهر طرد می‌شود. مهم‌ترین ترفند «اریک» برای مقابله با نفی‌شدن، پنهان‌کاری است. او در طول سال‌ها پنهان‌کاری آموخته است که برای جلب نظر و رضایت دیگران باید دروغ بگوید. صداقت در قاموس «اریک» جایی ندارد، او هم خوب دروغ می‌گوید و هم از خشونت زبانی رنج می‌برد؛ بلکه بی‌دلیل قربانی خشونت فیزیکی نیز می‌شود. صورت «اریک» به‌حدی ترسناک است که شخصی بنام «ژاور» وی را می‌رباید و با کتک و شکنجه، در قفس آهنینی به نمایش می‌گذارد: «ژاور: معلوم است می‌خواهم تو را به نمایش بگذارم. چه کار دیگری می‌توانم با تو داشته باشم. مردم برای تماشای عجیب‌الخلقه‌ها پول خوبی می‌پردازند. اریک: بدینسان زندگیم به‌عنوان هیولای تماشایی آغاز شد. دست‌ها و پاها مرا به نرده‌های قفس زنجیر می‌کردند تا نتوانم صورتم را از چشم جمعیت کنجکاو که به تماشا می‌آمد پنهان

کنم» (کی، ۱۳۹۸: ۹۹). «زندان سیار من، مرا از این سر به آن سر فرانسه از یک بازار مکاره به بازار مکاره دیگر می‌برد. مانند یک حیوان از من نگهداری می‌شد تا آن‌قدر تسلیم و رضا از خود نشان دهم تا باور کنند سرانجام مقاومت من درهم شکسته شده است. التماس کردم که مرا از قفس بیرون بیاورد تا کارهایی را که اقتضای زندگی در غربت است، انجام دهم. این تقاضا موجب نوعی تفریح برای ژاور - این خوک خشن - شد. به‌گونه‌ای که مرا شخصاً آزاد می‌گذاشت و هنگام انجام کار با تپانچه کشیده بالای سرم می‌ایستاد. می‌دانستم که اگر اقدام به فرار کنم شلیک خواهد کرد. هنگامی که من تقاضای یک دست لباس تمیز کردم به فقهه خندید و گفت: تاکنون از هیچ جنازه‌ای [=اریک] نشنیده که تقاضای کفن کند» (همان: ۱۰۳).

### ۳-۴. تأثیر داغ ننگ در روابط اجتماعی و پذیرش

به اعتقاد گافمن: «قدرت داغ‌زنی یک صفت نه در ذات خودش، بلکه در روابط اجتماعی ریشه دارد» (۱۳۸۶: ۱۸). نگرش‌هایی که آدم‌های عادی نسبت به فرد داغ‌خورده دارند و کنش‌هایی که در مقابلش انجام می‌دهند، کاملاً شناخته شده‌اند؛ زیرا این پاسخ‌ها همان چیزی هستند که کنش‌های اجتماعی خیرخواهانه برای تلطیف و اصلاحشان رونمایی شده‌اند. فرد داغ‌خورده انسان کاملی نیست و بر اساس همین تصور انواع تبعیض‌های مختلف علیه او اعمال می‌شود و به شکلی کارآمد، شاید هم اغلب از روی بی‌فکری، فرصت‌های زیستی‌اش را کاهش می‌دهد. در واقع به‌نوعی یک نظریه داغ ننگ می‌سازیم، یک ایدئولوژی که پست‌بودن فرد را تبیین کند و دلیلی برای خطرناک تلقی‌کردنش در اختیار ما بگذارد (همان: ۲۱). ما در گفتگوهای روزمره‌مان کلمات خاص داغ ننگ زنده‌ای از قبیل «چلاق»، «حرامزاده» و «کودن» را در قالب استعاره و زبان تمثیل به‌کار می‌بریم. ما عادت داریم از یک طرف دامنه گسترده‌ای از نقایص را بر اساس یک نقص اولیه به فرد نسبت دهیم (همان: ۲۱). در شب، جامعه، به‌دلیل زخمی‌بودن صورت «اریک» او را از خود می‌راند؛ توانایی‌ها و هنرهای او را نادیده می‌گیرد و از او شبی و وحشتناک و انسان گریز به‌وجود می‌آورد. این جامعه او را در هیچ‌جا به صورتی که هست قبول نمی‌کند و در پایان داستان او را به آتش می‌کشد؛ حتی مادر «اریک» او را به حشره مانند می‌کند و تلاش می‌کند تا او را بکشد. از دید گافمن: «دغدغه اصلی یک فرد داغ‌خورده در زندگی‌اش «پذیرش» خوانده می‌شود. افرادی که با فرد داغ‌خورده مراداتی دارند غالباً نمی‌توانند آن توجه و احترامی را که جنبه‌های سالم هویت اجتماعی وی مطالبه می‌کنند، و خود وی نیز انتظار دریافت آن را

دارد، به او ارزانی کنند» (۱۳۸۶: ۲۴). در رمان شیخ هیچ کس «اریک» را نمی پذیرد. «اریک» در خانه، زندانی است؛ زیرا مردم نمی توانند صورت زشت او را تحمل کنند. او مرتب از همه کتک می خورد:

«مادلین: اریک من بی رحمانه کتک خورد ...» (کی، ۱۳۹۸: ۲۹).

«مادلین: تو باید در خانه بمانی تا من برگردم.

اریک: چرا من باید همیشه در خانه بمانم؟ به تندی گفتم: چون امکان ندارد. تو باید در خانه که برایت جای امنی است بمانی.

به گونه ای غیرمنتظره مرا زیر سؤال کشید و گفت: جای امن برای چه؟

مادلین: او را با دست هایم ... به جلو هل دادم و در را مثل همیشه وقتی او را تنها در خانه می گذاشتم، قفل کردم.

اریک مشتاقانه پرسید: دهکده چطوری است؟ شتاب زده به دروغ گفتم: نه! کاملاً معمولی است. در واقع زشت هم هست. برای تو ابداً جالب نیست. دهکده پر از مردمی است که تو را می ترسانند» (همان: ۳۱). از دید گافمن: «برخی از عیبها، مثل عدم توانایی پذیرش عشق انسانی، که می تواند رضایت از زندگی را به شکل جدی تا سرحد نابودی کاهش دهد، به مراتب بیشتر از نابینایی، فاجعه به حساب می آید» (۱۳۸۶: ۲۸). در ذهن فرد داغ خورده این احساس شکل می گیرد که او نمی داند دیگران درباره او واقعاً چه فکری می کنند (همان: ۳۰). در رمان شیخ «اریک» نمی داند مردم «بوشرویل» درباره وی چه فکری می کنند. مادر برای «اریک» نظر مردم را در مورد او شرح می دهد: «مادلین: مردم همیشه پنجره اتاقم را می شکستند و چندین بار نامه های وقیحانه از زیر در خانه به درون سر داده بودند و توصیه کرده بودند بوشرویل را ترک کنم و هیولا را با خود ببرم (کی، ۱۳۹۸: ۳۲). دست هایم را با پیش بندم پاک کردم و بی آنکه به او نگاه کنم، ادامه دادم: امروز روز تولد توست. او به گونه ای غیرقابل درک به من خیره شد و خشم من به خاطر ضرورت شرم آوری که برای توضیح این واقعیت وجود داشت فزونی گرفت. به اختصار گفتم: سالگرد تولد تو، پنج سال پیش تو به دنیا آمدی و این واقعه باید جشن گرفته شود.

اریک: مانند مراسم عزای مردگان؟!!

یک ثانیه فکر کردم دارد با من شوخی می کند. به زحمت گفتم: نه کاملاً، اما شام مخصوص داریم» (همان: ۴۰). «اریک» از مادرش می خواهد برای تولد پنج سالگی او را دوبار ببوسد؛ اما «مادلین»

می‌گوید: «با نفرت و ترس به او خیره شدم. غفلتاً گریه‌ای تشنج‌آور در من فوران کرد و روی صندلی افتادم و هق‌هق‌کنان گفتم: تو حق نداری چنین تقاضایی داشته باشی. می‌فهمی اریک؟ هرگز دیگر تکرار نکن!» (همان: ۴۱). زمانی که افراد عادی و داغ‌خورده، در واقعیت به شکلی بی‌واسطه در حضور یکدیگر قرار می‌گیرند، به‌ویژه وقتی که سعی می‌کنند، یک برخورد گفتگویی مشترک را ادامه دهند، یکی از صحنه‌های اساسی جامعه‌شناسی خلق می‌شود (گافمن، ۱۳۸۶: ۲۹).

#### ۴-۴. جمع‌هراسی

جمع‌هراسی یا هراس اجتماعی یا اضطراب اجتماعی (فویبای اجتماعی) نوعی اختلال اضطراب است که فرد مبتلا به آن در موقعیت‌های اجتماعی روزمره دچار اضطراب و خودآگاهی شدید می‌شود. به بیان دیگر، جمع‌هراسی نوعی از اختلالات اضطراب است که توسط یک میزان قابل‌توجه ترس در موقعیت یا موقعیت‌های اجتماعی بروز می‌کند و سبب پریشانی شدید و اختلال در قسمت‌های مختلفی از زندگی روزمره می‌شود. اختلال اضطراب اجتماعی درجات مختلفی دارد و گاه ممکن است چنان شدید باشد که ابعاد و زمینه‌های مختلف زندگی فرد را در بر بگیرد، آن را با ترس بیامیزد و زندگی اجتماعی و روابطش را به کلی مختل کند. اضطراب اجتماعی یا اختلال اضطراب اجتماعی از شایع‌ترین و ناتوان‌کننده‌ترین اختلالات اضطرابی است؛ این اختلال با ترسی مزمن و بسیار شدید از تحقیق‌شدن یا انجام‌دادن کاری که به شرمگین‌شدن فرد در موقعیت‌های اجتماعی منجر می‌شود، مشخص می‌گردد (هافمن و اتو، ۱۳۹۲: ۴۷). اختلال اضطراب اجتماعی به‌صورت «ترس یا اضطراب آشکار درباره‌ی یک یا چند موقعیت اجتماعی، که در آن‌ها فرد در معرض واریسی توسط دیگران است» (American Psychiatric Association, 2013: 202) تعریف شده است. فرد مبتلا به این اختلال به‌شدت از خطر بالقوه انجام رفتار نامناسب یا نشان‌دادن نشانه‌های اضطراب وحشت دارد (Furmark, 200: 9). فردی که دچار اضطراب اجتماعی است هیچ‌گونه تمایلی به آغاز ارتباط با دیگران ندارد و با احساسی از ترس از هر موقعیتی که ممکن است در معرض داوری دیگران قرار گیرد، اجتناب می‌ورزد. برداشت یا تصور شخص از موقعیت‌های اجتماعی که احتمال دارد شخصیت، ظاهر یا توانایی‌های او مورد سنجش و ارزشیابی ضعیف دیگران قرار گیرد، می‌تواند واقعی یا خیالی باشد. مبتلایان به اضطراب اجتماعی از اینکه چگونه در نظر دیگران به نظر می‌رسند، احساس نگرانی می‌کنند. در رمان شبیح «اریک» از مردم می‌ترسد. دلیل ترس وی این است که مردم از

چهره زشت او می‌هراسند. مردم به خانه «اریک» سنگ پرت می‌کنند و تصمیم دارند وی را بکشند: «لحظه‌ای بعد صدای رگبار شدید سنگ که به در باغ می‌خورد ... اریک با پای برهنه به‌سوی در دوید، اما من [مادلین، مادر اریک] قبل از او رسیدم. فریاد کشیدم بایست. نمی‌بینی که آنها می‌خواهند تو را از خانه بیرون بکشند؟ اگر بیرون بروی تو را خواهند گشت» (کی، ۱۳۹۸: ۸۱). اهالی دهکده به‌حق یا ناحق از اریک می‌ترسند ... نفرت، تعقیب، برخوردهای خشم‌آلود و ... (همان: ۸۵). آزار مردم موجب می‌شود تا «اریک» همه عمر، خود را از چشم مردم نمان سازد. «اریک» زندگی شیخ‌مانند خود را آغاز می‌کند. او دارای ویژگی‌های شیخ است که هیچ‌کس نمی‌تواند او یا خانه‌اش را پیدا کند و او را یک هیولا می‌دانند؛ و از او به‌دلیل بدشکلی و اعمال خشونت‌آمیزی که می‌کند، می‌ترسند.

#### ۵-۴. راهکار برای بهبود وضعیت داغ‌خورده

فرد داغ‌خورده همچنین می‌تواند با صرف زحمات انفرادی بیشتر تلاش کند، در آن حوزه‌های فعالیتی به کسب مهارت پردازد که با توجه به ویژگی‌های عارضی و جسمانی معمولاً برای افرادی با نقص وی ناممکن محسوب می‌شود و بدین وسیله وضعیت خود را به‌شکل غیرمستقیم بهبود بخشد (گافمن، ۱۳۹۶: ۲۵). رمان شیخ حاوی درون‌مایه‌های پرارزشی است که هرکدام جای صحبت و ژرف‌نگری دارد. در جایگاه اول، شخصیت رمان «اریک» قرار دارد؛ او انسانی هنرمند است که از جامعه رانده شده است. «اریک» تلاش می‌کند تا موسیقی و معماری را خوب فراگیرد؛ او به‌قدری خوب می‌خواند و می‌نوازد که مادرش صوت وی را صوت داوودی می‌خواند: «مادلین: فریاد کشیدم ... زندگی مرا از روز تولدت نابود کردی نابود، به‌این‌خاطر از تو نفرت دارم؛ از نگاهت ... از صدایت ... از صورت اهریمنی‌ات و از صوت داوودی‌ات نفرت دارم» (کی، ۱۳۹۸: ۷۱). شور موسیقی در سراسر رمان مشهود است. حتی اساس رابطه «کریستین»، آوازه‌خوان اپر، و «اریک» را موسیقی شکل می‌دهد. «کریستین»، «اریک» را فرشته موسیقی خود می‌داند که پدرش قول داده بود روزی نزد او بیاید. «کریستین»، «شیخ» را محافظ موسیقی خود می‌داند و «اریک» از علاقه خود به موسیقی برای آموزش هرآنچه می‌داند، استفاده می‌کند. وی دست به ارباب «اپرای گارنیه پاریس» می‌زند تا موجبات پیشرفت آوازه‌خوان محبوبش را در کار اپرا فراهم آورد. «اریک»، تاریک، زشت و خطرناک است؛ با این حال، کریستین به‌سمت او کشیده می‌شود؛ و از وجود تنهایی و تاریکی او متأسف است. راوی شیخ / پرای پاریس روایت می‌کند که «اریک» پسر یک صاحب

مشاغل ساختمانی بود که در بدو تولد تغییر شکل داده بود؛ او از «نرماندی»، زادگاهش، فرار کرد تا در نمایشگاه‌ها و کاروان‌ها کار کند؛ در هنرهای سیرک، در سراسر اروپا و آسیا، تحصیل کرد و سرانجام در ایران و ترکیه کاخ‌های فریبنده ساخت. سرانجام، او به فرانسه بازگشت و کار ساختمانی خود را آغاز کرد. «اریک» پس از قراردادی فرعی برای کار بر روی پایه‌های کاخ گارنیه، با احتیاط خود لانه‌ای برای ناپدیدشدن ایجاد کرد، با گذرگاه‌های پنهان و ترفندهای دیگر که به او اجازه می‌داد از مدیران جاسوسی کند. «اریک» به‌حدی در معماری شهره بود که در عصر قاجار، توسط شخصی به‌نام «نادر»، به ایران آورده شد تا تغییراتی در معماری ایران دهد و «شهر اشرف» (کی، ۱۳۹۸: ۱۸۴) یا همان «بهشهر» کنونی را سامان بخشد. او علاوه بر طراحی و ساختمان قصر جدیدی در «اشرف»، به بازسازی چند ساختمان در تهران می‌پردازد. شاه قاجار به پاداش معماری «اریک»، دختر نوجوان ایرانی را به عقد وی درمی‌آورد؛ اما دختر در شب ازدواج با دیدن چهره هولناک «اریک» خودکشی می‌کند. در مجموع، در عصر قاجار، سفرهای اروپایی شاهان قاجار و حیرت از مظاهر کالبدی مدرنیزاسیون غربی، تمایل به تجدد ظاهری در کنار تغییرات فرهنگی در میان این افراد موجب آشنایی با اصلاحات شهری و معماری در اروپا شد، در این میان میل شاهان قاجار برای ساختن عمارت‌هایی به فریبندگی کاخ‌ها و قصرهای اروپایی، زمینه را برای تغییرات تدریجی معماری ایران در عصر قاجار فراهم کرد.

### نتیجه‌گیری

بر اساس مباحث مطرح‌شده در مقاله، از تمامی داغ‌ننگ‌زنی در رمان شیخ، داغ‌ننگ معلولیت جسمی نمود بیشتری دارد. منشأ تمامی داغ‌ننگ «اریک»، از بدو تولد وی اتفاق می‌افتد. هرکس که چهره بدون بینی و چشم فرورفته او را - که شبیه جمجمه‌ای است که قرن‌ها خشک شده است - مشاهده می‌کند، دچار هراس می‌شود و «اریک» به‌ناچار برای همه عمر، ماسکی بر چهره دارد. مردم از او به‌دلیل بدشکلی، اعمال خشونت می‌کنند و وی را هیولا می‌نامند و کتک می‌زنند. «اریک» از ترس ملامت مردمی مخفیانه در اعماق خانه‌ای پاریس، خانه‌ای برای خود می‌گزیند و تا پایان عمر از دیده‌ها پنهان می‌شود؛ حتی وصیت می‌کند تا او را در جایی دفن کنند که هرگز پیدا نشود. عقده‌های روان‌رنجوری، مانند «احساس حقارت» و «تمایلات فرافکنانه»، زمینه حضور و جولان شگردهای داغ‌زنی را در رمان شیخ افزایش می‌دهد؛ به‌همین سبب در این داستان بیشتر با نوع اول داغ‌ننگ یعنی داغ‌ننگ زشتی‌ها و معایب مربوط به بدن فرد مواجه هستیم. بر اساس

دستاورد تحقیق، «اریک» از داغ ننگ بی‌اعتبارکننده هویت اجتماعی رنج می‌برد؛ که بر کنش‌ها و روابط او در طول رمان چیره شده است. همچنین جمع‌هراسی و اضطراب اجتماعی و ازهم‌گسیختگی روانی و کنش‌هایی همچون تلاش برای کشتن «اریک» به سبب نقص جسمی نیز می‌تواند تحت الشعاع داغ ننگ و فاصله نقش به وجود آمده در هویت او و جامعه دانست.

#### پی نوشت:

۱- نام اصلی رمان سوزان کی «شیخ» است که مترجم فارسی زبان (ملیحه محمدی) آن را «شیخ ابرای پاریس» ترجمه کرده است. به نظر می‌رسد گزینش عنوان «شیخ ابرای پاریس» توسط مترجم ایرانی به این دلیل است که آثار زیادی با عنوان فانتوم (شیخ) وجود دارد که برای خلط‌نشدن، از چنین عنوانی برای کتاب استفاده شده. مانند شیخ: گن شانی (Lon Chaney)، کلودرین (Claude Rains)، مایکل کراوفورد (Michael Crawford) و غیره.

#### منابع

- پراور، زیگبرت سالمن (۱۳۹۳). *درآمدی بر مطالعات ادبی تطبیقی*؛ ترجمه علیرضا انوشیروانی و مصطفی حسینی. تهران: سمت.
- حسینی، مریم؛ سالارکیا، مژده (۱۳۹۱). «تحلیل رمان *رویای تبت* بر اساس استعاره نمایشی نظریه گافمن». *مجله متن پژوهی ادبی*. شماره ۵۳، پاییز: صص ۸۱-۱۰۸.
- خادم الفقراپی، مهوش؛ کیانپور، مسعود (۱۳۹۵). «تحلیل گفتمان فیلم زندگی مشترک آقای محمودی و بانو با تمرکز بر داغ ننگ ناشی از تقابل سنت و مدرنیته». *مجله زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۸، شماره ۴: صص ۴۴۳-۴۵۲.
- دریکوند، مهین؛ حسین بیرانوند و اسماعیل اکبری نیا (۱۳۹۴). «برچسب‌زنی، داغ و ننگ گافمن»، *کنفرانس ملی آینده پژوهی*. شیراز: مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*؛ ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دهم. تهران: علمی.
- رئیسی، پویا؛ نقاش زاده، مسعود؛ یوسفیان کناری، محمدجعفر (۱۳۹۶). «واکاوی تأثیر روان‌جامعه‌شناختی داغ ننگ بر شخصیت‌های آژاکس و مده‌آ». *مجله تئاتر*، شماره ۶۸، بهار: صص ۱۴۷-۱۶۶.



- زرکوب، منصوره و همکاران (۱۳۹۳). «تحلیل جامعه‌شناختی القاب شاعران عربی بر اساس نظریه داغ ننگ گافمن»، *مجله لسان مبین*، دوره ۵، شماره ۱۶، تابستان: صص ۲۱-۳۸.
- زینی‌وند، تورج، صولتی، سمیه (۱۳۹۷). «تحلیل جامعه‌شناختی داغ ننگ در داستان کوتاه من وراء الحجاب و الساقطه (رویکرد نمایشی اورینگ گافمن)». *مجله ادب عربی* دانشگاه تهران، دوره ۱۰، بهار و تابستان: صص ۱۲۷-۱۴۳.
- قاسم‌زاده، سید علی (۱۳۹۳). «جامعه‌شناسی رفتار در رمان طناب‌کشی بر مبنای نظریه داغ ننگ»، *فصلنامه نقد ادبی*. س ۷، ش ۲۶. تابستان: صص ۱۴۷-۱۶۹.
- قاسم‌زاده، سید علی، سالارکیا، مژده (۱۳۹۵). «بازخوانی روان‌شناختی-جامعه‌شناختی بخش پهلوانی شاهنامه بر مبنای نظریه داغ ننگ گافمن». *مجله کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*. شماره ۳۲، بهار و تابستان: صص ۷۷-۱۰۲.
- عرفانی، سامال (۱۳۸۷). «معرفی و نقد کتاب: داغ ننگ، چاره‌اندیشی برای هویت ضایع‌شده». *مجله کتاب ماه علوم اجتماعی*. شماره ۵، دوره جدید، مردادماه: صص ۵۸-۶۱.
- کفافی، محمد عبدالسلام (۱۳۸۲). *ادبیات تطبیقی*؛ ترجمه سید حسین سیدی. مشهد: به‌نشر.
- کوین، ویلیامز (۱۳۹۲). *فهم نظریه رسانه‌ها*؛ ترجمه احسان شاه‌قاسمی و گودرز می‌رانی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- کی، سوزان (۱۳۹۸). *شیخ‌آپرای پاریس*؛ ترجمه ملیحه محمدی، چاپ هشتم. تهران: نشر چشمه.
- گافمن، اروینگ (۱۳۸۶). *داغ ننگ، چاره‌اندیشی برای هویت ضایع‌شده*؛ ترجمه مسعود کیانپور. تهران: مرکز.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). *نمود خود در زندگی روزمره*؛ ترجمه مسعود کیانپور. تهران: مرکز.

- ولک، رنه و وارن، آوستن (۱۳۸۲). *نظریهٔ ادبیات*؛ ترجمهٔ ضیا موحد و پرویز مهاجر. تهران: علمی و فرهنگی.
- هاتورن، ناانیل (۱۳۶۹). *داغ ننگ*؛ ترجمهٔ سیمین دانشور، چاپ چهارم. تهران: خوارزمی.
- هافمن، استفمان، اتو، میشل (۱۳۹۲). *درمان شناختی رفتاری اختلال اضطراب اجتماعی*؛ ترجمهٔ مصطفی خانزاده، اسماعیل سلطانی، محسن سعیدیان اصل. تهران: انتشارات آوای نور.
- یوست، فرانسوا (۱۳۸۶). «چشم‌انداز تاریخی ادبیات تطبیقی»؛ ترجمهٔ علیرضا انوشیروانی، *مجلهٔ مطالعات ادبیات تطبیقی* دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت، شمارهٔ ۳: صص ۳۷-۶۰.

- American Psychiatric Association (2013). **Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders**. American Psychiatric Publishing.
- Fine, G. A. (1995). *A Second Chicago Style The development of a Postwar American Sociology*. Ill, Chicago: Chicago University Press.
- Furmark, Tomas (2000). **Social Phobia: From Epidemiology to Brain Function**. Acta Universitatis Upsaliensis.
- Haining, Peter (1988). *"Introduction", The Phantom of the Opera*. New York: Dorset Press.
- Johnson, R. Skip. (2015) *Escaping conflict and the Drama Triangle*. June.
- Rouse, Matthew H.(2002). *Christ & Stigma*. Biola University. Faculty Integration Seminar. Summer.

## References

- American Psychiatric Association (2013). **Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders**. American Psychiatric Publishing.
- Drikvand, M., Beyranvand, H., & Akbarinia, E. (2015). **Labelling, Goffman's Scarlet Letter**, The National Conference of Future Studies, Humanities and Development, Shiraz: Development Center of Modern Education in Iran.
- Erfani, S. (2008). "Book Review: Stigma, Notes on the Management of Spoiled Identity". *Ketabmah of Social Sciences*, 5, New Series, 58-61.

- Fine, G. A. (1995). *A Second Chicago Style The development of a Postwar American Sociology*. Ill, Chicago: Chicago University Press.
- Furmark, Tomas (2000). *Social Phobia: From Epidemiology to Brain Function*. Acta Universitatis Upsaliensis.
- Ghasemzadeh, A. (2014). "Behavior Sociology in the Novel of "Tanabkeshi" Based on the Theory of Scarlet Letter, *Literary Criticism*, 7, (26), 147-169.
- Ghasemzade, A., & Salarkia, M. (2016). "Investigating Psychological-Sociological Heroic Age in Shahnameh Based on the Theory of Goffman's Scarlet Letter". *Kavoshnameh-Journal of Research in Persian Language and Literature*, 32, 77-102.
- Goffman, E. (2007). *Stigma: Notes on the Management of Spoiled Identity* (M. Kianpour, Trans.). Tehran: Markaz Publication.
- Goffman, E. (2012). *The Presentation of Self in Everyday Life* (M. Kianpour, Trans.). Tehran: Markaz Publication.
- Haining, Peter (1988). *"Introduction", The Phantom of the Opera*. New York: Dorset Press.
- Johnson, R. Skip. (2015) *Escaping conflict and the Drama Triangle*. June
- Hofman, S., & Otto, M. (2013). *Cognitive Behavioral Therapy for Social Anxiety Disorder* (M. Khanzade, E. Soltani, & M. Saeedian Asl, Trans.). Tehran: Avaye Noor Publications.
- Hoseini, M., & Salarkia, M. (2012). "Analysis of the Novel of "Dream of Tibet" based on Goffman's Dramatic Approach", *Literary Text Research*, 53, 81-108.
- Hawthorne, N. (1990). *Scarlet Letter* (S. Daneshvar, Trans.). Tehran: kharazmi Publications.
- Jost, F. (2007). "Introduction to Comparative Literature" (A. Anooshiravani, Trans.). *Journal of Comparative Literature Studies of Islamic Azad University, Jiroft Branch*, 3, 37-60.
- Kay, S. (2019). *Phantom* (M. Mohamadi, Trans.). Tehran: Cheshme Publication.
- Kafafi, M. (2003). *Comparative Literature* (H. Seyedi, Trans.). Mashhad: Behnashr Publication.
- Khademolfogharaei, M., & Kianpour, M. (2016). "Discourse Analysis of the Wedlock Movie by Focusing on the Stigma of the Contrast of Tradition and Modernity", *Woman in Culture and Arts*, 8, (4), 443-452.
- Prawer, S. S. (2014). *Comparative Literary Studies: an Introduction* (A. Anooshiravani & M. Hoseini, Trans.). Tehran: Samt Publications.

- Raeesi, P., Naghashzade, M., & Yousefian Kenari, M. (2016). "Investigation of the Impact of Psycho- Sociology of Scarlet Letter on Characters of Ajax and Medea", *Theater*, 68, 147-166.
- Ritzer, G. (2005). *Contemporary Sociological Theory* (M. Salasi, Trans.). Elmifarhangi Publications.
- Rouse, Matthew H.(2002).*Christ & Stigma. Biola University. Faculty Integration Seminar. Summer.*
- Wellek, R., & Warren, A. (2003). *Theory of Literature* (Z. Movahed & P. Mohajer, Trans.). Tehran: Elmifarhangi Publications.
- Williams, K. (2013). *Understanding Media Theory* (E. Shahghasemi & G. Mirani, Trans.). Tehran: Sociologists Publications.
- Zarkoob, M. et al (2014). "Sociological Analysis of Arabic Poet's Use of Titles Based on Goffman's Theory of Stigma", *Lisan-i Mubin*, 5, (16), 21-38.
- Zinivand, T., & Solati, S. (2018). "Sociological Analysis of Scarlet Letter in the Short Story of "Min Wara al-Hijab and al-Saqeta": Erving Goffman's Dramatic Approach, *Arabic literature*, 10, 127-143.